



بیانات معظم له در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز 19 دی ماه - 19 ادی / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران عزیز قمي؛ خیلی خوش آمدید. با تشریف آوردن خودتان - این ستت همه ساله - این روز بزرگ و این خاطره فراموش نشدنی را همچنان زنده و با طراوت نگه داشته اید. جا دارد که این چنین خاطره هایی، همیشه زنده بماند.

حوادث در زندگی ملتها زیاد است؛ اما حوادثی که به برکاتی منتهی شود، از قبیل برکاتی که قیام مردم قم در نوزدهم دی به دنبال خود آورد، در دنیا کم است. باید قدر آنها را دانست و آنها را در ذهن، در عمل و در گفتار خود زنده نگه داشت. امیدواریم خداوند شهیدان عزیز این روز و دیگر ایام مبارک قم و همه شهدای مردم مؤمن و حزب اللهی و انقلابی و شهید پرور قم و سایر نقاط کشور را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد.

یک مطلب لازم کوتاهی را در باب مسأله مساجد اشاره کنم - به مسائلی هم که بعداً به مناسبت ماه رمضان خواهیم گفت، ارتباط پیدا می کند - و آن این است که مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضتها و حرکتهاي اسلامي بزرگي شده است. مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند - مثل الجزایر و دیگر کشورهایی که سالها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسویها بودند - از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملتها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند.

در صدر اسلام هم، در زمان نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و همچنین در زمان حکومت با برکت امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام، مسجد مرکز همه تصمیم گیریهای مهم و کارهای بزرگ بود. نمی خواهیم از لحاظ وضع زمان، مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین تشبیه کنیم؛ زیرا اقتضاهای هر زمان متفاوت است. به طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیت و معرفت، می تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد.

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت هم همین طور بوده است؛ در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسأله، به حدّاعلی رسید.

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورد. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می خوانند و بیرون می آیند و این چه تأثیری دارد، خطاست. این طور نیست. اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مُشَرَّع مقدّس نماز و اذان، خیرالعمل و فلاح است، مایه برکات زیادی می شود. نماز یک ملت را به قیام لله وادار می کند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می کند.

علاوه بر آن، مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعة خیر من عبادة سنة»، یا در بعضی از روایات است که «من عبادة اربعین سنة»، یا «سبعین سنة» - البته فکر



کردن درست - افراد مسجد برو، این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می آورند. بنابراین مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می کند. انسان در مسجد، خود را به خدا متصل می کند.

بنابراین باید قدر مساجد را دانست. باید در مساجد حضور پیدا کرد. بحمدالله به برکت انقلاب در این سالهای اخیر، این معنا زیاد شده و کیفیت پیدا کرده است. همه شنیدید که امسال در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند، تا برای سال آینده آماده شوند.

عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلوة»، علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهتگیری صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید. بحمدالله مسأله تنظیف و تطهیر و پاکسازی و غبارروبی و عطرافشان مساجد - کارهایی که این روزها انجام می گیرد - همه جزو کارهای خوبی است که بحمدالله انجام هم می گیرد و خوب است که انجام دهید. و اما آن مطلب اصلی که می خواهم با شما مردم عزیز قم مطرح کنم: قم قبه الاسلام، مرکز اسلام، مرکز روحانیت و دین است و برای انقلاب ما - هم در دوره انقلاب، هم در دوره جنگ و دوره مبارزه با گروهکها - مرکز بسیار مهمی بوده است. حوزه مبارکه قم هم که حقیقتاً یک کلمه طیبه و شجره طیبه است - «اصلها ثابت و فرعها فی السماء، توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها» - و خیلی دارای عظمت است. مردم و جوانان و نیروهای حزب اللهی و مؤمن قم، هم که جای خود دارند.

حقیقتاً قم مرکز مهمی در جهان اسلام و در میان شهرهای کشور ماست. این مطلب را هم باید با شما مردم قم در میان گذاشت که حقیقتاً «السابقون الاولون» هستید. معروف است که بقای هر چیز، با همان عواملی تأمین می شود که حدوث آن شیء، با آن عوامل تأمین شده است. فی الجمله این حرف، حرف درستی است. یعنی اگر مثلاً برای تداوم و بقای انقلاب اسلامی ایران، دنبال عاملی می گردیم، باید نگاه کنیم و ببینیم شروع و حدوث این انقلاب، با چه عواملی شد. اگر آن عوامل را در جامعه تأمین کنیم، انقلاب تداوم پیدا می کند. یک حرکت که با عامل خاصی و با یک قدرت آغاز شده است؛ ادامه آن حرکت هم با همان عامل خاص است.

عوامل حدوث انقلاب چه چیزهایی بود؟ عوامل متعدّد و فراوانی داشت. حدوث انقلاب که یک عامل نداشت. این، یک نگاه علمی و جامعه شناسی و تاریخی و دقیق لازم دارد که انسان نگاه کند و ببیند. البته نگاه هم کردند؛ این مسائل هم مکرراً بحث شده است.

انقلاب، عوامل گوناگونی داشته است که شناخت آن عوامل، خود یک بحث طولانی و علمی و مفصّلی است؛ اما آن چیزی را که انسان می تواند به عنوان روح و رقیقه موجود در همه این عوامل معرفی و به آن اشاره کند، توجه به خدا، انجام تکلیف الهی و قیام لله - برای خدا قیام کردن - است. درست است که ممکن بود انگیزه های گوناگونی در ذهن بعضی از افراد باشد - فرض بفرمایید مبارزه با دیکتاتوری رژیم طاغوت و مبارزه با فساد - همه اینها درست است.

این انگیزه ها در ذهن همه بود و جزو مؤثرات این انقلاب هم بود؛ لیکن علت کارایی همین عوامل و مؤثرها هم این بود که با روح دینی و با احساس تکلیف همراه بود. چون مبارزه با استبداد، با فساد، با وابستگی، با عقب افتادگی و فقر و تلاش برای بهسازی زندگی انسانها و رفع فقر از زندگی فقرا و مستضعفان، چیزهایی است که مورد رضای الهی است. خدای متعال انسانها را به این چیزها امر کرده است.



اگر روح دینی باشد، این عوامل به صورت فراگیر در میان همه اقشار مردم، آن هم به صورت عمیق، به وجود می آید. لذا این انقلاب تمام شدنی نبود و نیست. اگر عامل دینی نباشد، چند صباحی حرکتی می شود، عده ای معین و قشر مشخصی، کاری می کنند؛ بعد هم خسته می شوند. عده ای به دنیای خود می رسند؛ عده ای هم به حکومت و مقام می رسند؛ عده ای با قدرتمندان سازش می کنند؛ عده ای می ترسند؛ عده ای به زندگی راحت خو می گیرند و عده ای مایوس می شوند و قضیه تمام می شود و از بین می رود! کمالین که در بسیاری از نهضت‌های دنیا، چون اسم خدا، یاد خدا و روح تعبد و اخلاص نبود؛ چون یک رهبر الهی و معنوی مثل آن بزرگوار، آن انسان بزرگ، امام راحل عظیم الشان، در میان آنها نبود، حتی استعداد‌های معمولی هم برای حرکت در مبارزه با فساد و استبداد و بدبختی‌های دیگر یک ملت، شکوفا نشد.

اما در این جا همه آحاد مردم؛ مردان، زنان، پیرمردان، افرادی که در مدت عمرشان در مسائل اجتماعی دخالت نداشتند و کسانی که در هیچ کار مضرّ و خطر‌دار برای زندگی مادی خود قدمی نگذاشته بودند، بپاخواستند و بی محابا به خیابانها آمدند. یک غوغای همگانی به وجود آمد، شد نهضت و انقلاب؛ آن هم انقلابی که به دنبال خود کاری کرد که در طول تاریخ اسلام - بعد از حکومت صدر اوّل تا زمان ما - این کار انجام نشده بود؛ نه در این جا و نه در هیچ جای دیگر. آن، چه بود؟ آن، حاکمیت قرآن، حاکمیت فقه اسلامی و احکام دینی بود. این که قوانین و اداره امور کشور، بر اساس اسلام شود. این، سابقه نداشت؛ هیچ جا سابقه ندارد.

امروز عده ای حقیقتاً ناشکری می کنند. بعضیها نعمت خدا را حقیر می شمردند. یک چیز و یک نابسامانی، فرض بفرمایید یک دادگاه در یک جا حکمی کرده است، یا یک بخش‌دار، یا فرماندار در یک گوشه کشور حرفی زده است، یا یک مأمور دولت برخوردی کرده است که به نظر اینها ناشایسته است، می بینید که ناگهان همه چیز را زیر سؤال می برند! انقلاب و حکومت و جمهوری اسلامی و ولایت و این حرکت عظیم، به کُلی فراموششان می شود! نمی فهمند چه اتفاقی افتاده است!

عزیزان من! مسلمانان هوشمند و انسان‌های برجسته از اکناف عالم، اکنون که قریب هجده سال از پیروزی انقلاب می گذرد، گاهی می آیند و با ما ملاقات می کنند و به ما می گویند شما خودتان که در انقلابید، درست نمی دانید که چه اتفاقی در ایران افتاده است! این حادثه، یک حادثه غیر قابل توصیف است!

در کشوری که مأمّن استکبار و پایگاه امریکا بود، سرانش نوکران حلقه به گوش قدرتهای جهانی بودند، ثروتش در بین خانواده های حاکم تقسیم می شد، از دین روزبه روز کاسته می شد، مردم روزبه روز و به زور، به بداخلاقی و فساد اخلاقی و فساد جنسی سوق داده می شدند، انسان بیاید و حکومتی مستقل، آزاد، شجاع و مردمی درست کند! رؤسا و مسؤولین کشور، رؤسای قوا، انسان‌های مؤمن و علمای بالله! کارکنان، نظامیان، ارتش، سپاه و نمایندگان مجلس؛ همه مردمان مؤمن، متعبد، متدین و بعضی نافله خوان و نماز شب خوان هستند! این کشور در مقابل قدرتی مثل قدرت امریکا می ایستد؛ نمی ترسد و واهمه نمی کند؛ منافع کشور را به بیگانگان نمی دهد.

اینها چیزهای بزرگ و عظیمی است. حالا یک گوشه هم به فرض، یک اشکال یا یک نابسامانی وجود دارد - یکی، دوتا، صدتا - مگر در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، نابسامانی، خلاف و بداخلاقی نبود؟ مگر حدّ شرعی نبود؟ مگر دزدی نبود؟ البته با دزد برخورد می کنند. آن جایی بد است که با درد و با فاسد و مفسد برخورد نشود و کارهای بد و بی دینی تشویق شود!

تربیت یک جامعه و یک ملت بزرگ، در طول چند سال کوتاه که عملی نیست. بر این حادثه عظیمی که اتفاق افتاده است، دیگران شهادت می دهند؛ خود ما هم هر وقت فکر و دقت کنیم، خواهیم دید حرکت خیلی عظیمی شده است. علت این هم که می بینید امریکا، صهیونیست، کمپانیهای جهانی، غارتگران بین المللی، قلدرهای معروف دنیا و دزدها سرگردنه عالم، به هیچ قیمتی حاضر نیستند با این نظام آشتی کنند، همین است که کار، کار عظیمی



است؛ حرکت، حرکت عظیمی است.

یک ملت، انقلابی با آن عظمت به وجود آورد، که این قیام مردم، چنین دستاورد عظیمی هم به دنبال داشته باشد و برکت و اثر آن باشد. بعد هم به این اکتفا نکنید؛ کار به این هم منتهی نمی شود.

این نظام در طول سالهایی اول ولادت خود، دست اندرکار مبارزه با یک توطئه حساب شده همه جانبه ای از سوی قدرتمندان درجه یک عالم - شوروی آن روز و آمریکا - شد. بحمدالله شوروی متلاشی شد و از بین رفت و این یکی با هزار مشکل و دردسر برای خودش مانده است و دیگر قدرتهایی که در دنیا بودند و مجموعه های نظامی و غیره که به صورت جنگ تحمیلی جلوه کرد. این ملت و این انقلاب توانست در مقابل همه اینها بایستد و آنها را ناکام کند. مگر شوخی است؟! هر یکی از اینهایی که گفتم، می تواند یک نظام و یک رژیم حکومتی را خرد و خمیر کند؛ از بین ببرد و یک ملت را به زانو درآورد! آن محاصره اقتصادی، آن مقابله های نظامی، آن جنگ طولانی و آن جنگ تبلیغاتی عظیم! باز هم نتوانستند. جنگ را هشت سال هم کش دادند، اما نتوانستند یک وجب از خاک این کشور را تصرف کنند و نگهدارند. هر چه را گرفته بودند، این ملت از چنگشان بیرون کشید.

این، هنر این انقلاب و نظام بود؛ هنر این حکومت بود. بعد هم شروع به سازندگی کرد. گفت حالا جنگ تمام شد، شروع به ساختن کشور می کنیم. این هم سازندگی! شما امروز هر جای کشور که می روید، بحمدالله کار و تلاش و سازندگی است. ملت، دولت، مسؤولین بالا و پایین، همه و همه در تلاشند. این، اثر و هنر انقلاب است و ادامه پیدا خواهد کرد. این سازندگی، در آینده هم ادامه خواهد کرد. این حرکت به سوی رفاه و کمال دنیایی و آخرتی و مادی و معنوی، در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد. این ملت از میدان خارج نخواهد شد. اینها به برکت دین است. این، کار یک انقلاب جدایی از دین نیست؛ کار احزاب و ایدئولوژیها و شخصیتها نیست؛ کار ایمان دینی این مردم است. پس این، عامل اصلی است. شما باید این عامل اصلی را حفظ کنید. این ملت باید حفظ کند.

البته از حق نباید گذشت. خداوند این ملت را رحمت کند و برکاتش را بر این ملت روزبه روز بیشتر نازل فرماید. خداوند همه آحاد این ملت را مشمول فضل و رحمت خود قرار دهد. از اول انقلاب تا امروز، مردم در جهات دینی خیلی پیشرفت کرده اند. هر پدیده ای را نگاه کنید، می بینید که این طور است. مساجد بهتر شده است؛ ماه رمضانها و مجالس روضه خوانی بهتر شده است؛ شوق مردم به عتبات مقدّسه و صدقات جاریه بیشتر شده است؛ وجوهات برپه و کمک به کارهای نیک، مسجدسازی، مدرسه سازی و ظواهر دینی بهتر شده است.

علی رغم این که بعضی وقتی چیزی را در گوشه ای می بینند، فوراً می گویند که چرا این گونه شده است؛ اغلب موارد بهتر شده است. اگر دقیق شوید، خواهید دید که این چیزها از پانزده سال پیش - از ده سال پیش - بهتر شده است. این، حرکت به پیش است. این را باید در ماه رمضان تقویت کنید.

ماه رمضان، ماه ذخیره سازی و ماه نیرو گرفتن است. ماه رمضان، ماهی است که آحاد مردم باید خود را به خزائن غیبی و معنوی الهی برسانند و هر مقدار که می توانند، تغذیه کنند؛ خود را برای پیشرفت آماده کنند. این، ماه رمضان است.

لیلة القدری که در این ماه رمضان است و قرآن صریحاً می فرماید: «لیلة القدر خیر من الف شهر»، یک شب بهتر است از هزار سی روز - هزار ماه - بسیار مهم است. چرا این قدر فضیلت را به یک شب دادند؟ زیرا برکات الهی در این شب زیاد است؛ نزول ملائکه در این شب زیاد است؛ این شب، سلام است؛ «سلام هی حتی مطلع الفجر»؛ از اول تا آخر این شب، لحظاتش سلام الهی است. «سلام قولاً من رب رحیم». رحمت و فضل الهی است که بر بندگان خدا نازل می شود.

لیلة القدر، شب ولایت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائکه بر امام زمان است، هم شب قرآن و شب



اهل بیت است، هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سوره مبارکه قدر هم، سوره ولایت است. شب قدر خیلی ارزش دارد. همه ماه رمضان، شبها و روزهایش ارزش والا دارد. البته لیلۃ القدر نسبت به روزها و شبهای ماه رمضان، خیلی فاخرتر است؛ اما شبها و روزهای ماه رمضان، نسبت به روزها و شبهای بقیه سال، خیلی فاخرتر است. باید قدر بدانید. در این روزها و در این شبها، همه بر سر سفره انعام الهی حاضرید. استفاده کنید. در این ماه، هر کار نیکی بکنید، هر سخن حقی بگویید، هر کلمه ای را به کسی که محتاج تعلیم است، تعلیم دهید، هر کلمه ای که برای خدا فراگیرید و در راه خدا به کار شما بیاید؛ هر رکعت نماز، هر آیه قرآن، هر ساعت گذراندن با دهان روزه و هر اجتناب از گناهی، با ارزش است. دروغی نگویید و غیبتی نکنید که زمینه برای دروغ و غیبت مقتضی است. شما اجتناب و امتناع کنید.

هر عمل حسنه ای که انجام دهید، احسان، اطعام و کمک به کسی، احوالپرسی از مستحقی، اقدامی برای مردم محروم، اقدامی برای جامعه اسلامی، کاری برای پیشرفت زندگی مردم؛ همه اینها عبادت است. ما عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی داریم؛ عبادات ناب و خالص داریم که مربوط به نیمه شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرع است. هر کدام از اینها یک درجه است. هر کدام از اینها، شما را مثل فولاد آبدیده محکم می کند؛ این جوانان را مستحکم می کند؛ آنها را خلل ناپذیر و در مقابل نفوذ شیطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگی، آسیب ناپذیر می کند. در مقابل این نیرنگهای فرهنگی که برای جلب دلهای ساده بعضی از افراد به کار می برند و دامهایی که در سر راه جوانان می گسترانند، جاذبه هایی هم هست که کسی به جز نفس خود انسان نمی گستراند! یک جا پول است، یک جا شهوت، یک جا مقام، یک جا لذتی است که خدای متعال به آن لذت راضی نیست؛ این جا کسی شما را وادار نمی کند، نفس شماست که آن دشمنترین دشمنان شماست. «اعدی عدوک نفسک التي بین جنبیک». روزه انسان را در مقابل همه اینها نفوذناپذیر و آسیب ناپذیر می کند. قدر این ماه را بدانید.

در روزهای دوران اختناق هم وقتی عناصر مؤمن می خواستند در مقابل فشار دستگاه حاکم و در مقابل وسوسه ها و اغواهای زندگی راحت - که آنها را وادار می کرد مبارزه را کنار بگذارند - مقاومت کنند، به روزه روی می آوردند. عبادات خدا این گونه است. حضور در مقابل پروردگار این طور است. نماز که می خوانید، آرامش پیدا می کنید. از اضطراب و تلاطم روح نجات پیدا می کنید. وقتی با خدای متعال مناجات و تضرع می کنید، جان خودتان را تصفیه و با صفا می کنید، آلودگیها را از آن دور می کنید. روزه که می گیرید، خودتان را مثل فولاد، محکم و آبدیده می کنید. این گونه است.

آنچه که به وسیله عبادات به دست ما می آید، خیلی خیلی با ارزش است؛ خیلی زیاد است. باید خدا را شکر کنیم که برای ما نماز و روزه و عبادات را آورد؛ به ما امکان داد که این بهره ها را برای خودمان فراهم کنیم. آقایان محترم که به شهرهای مختلف تشریف می برید و با مردم حرف می زنید! به جوانان اقبال کنید؛ حقایق دینی را صریح با مردم در میان بگذارید؛ ارواح و نفوس مردم را تصفیه کنید. مردم احتیاج دارند؛ اهل شنیدن و باور کردن و پذیرفتن هستند. دلها پاک است. آیات کریمه قرآن و روایات نورانی اهل بیت را با دقت، با تأمل، با تدبّر و با بیان شافی و وافیه مطرح کنید. آن چیزهایی را که متضمن نصایح اخلاقی و هدایتهای فکری است و به ذهنها نور می افشاند، به این دلها فرو بخوانید. آنها را هدایت کنید.

مراقب باشید که مبدا منبر ما، صحبت، نصیحت و حرف زدن ما، کسی را دچار شبهه کند؛ ذهنی را دچار گره کند و او را از خدا و نماز و منبر و محراب و امثال آن دور و بیزار کند. لبّ دین، یعنی همان را که در روایات محکم - البته نه روایات ضعیف - و آیات کریمه قرآن است، بر این دلها و ذهنها بخوانید؛ اینها استقبال می کنند؛ دلهايشان پاک و صاف می شود.



امیدواریم در این ماه مبارک رمضان، خداوند الطاف و برکات خود را بر شما ملت عزیز و امتحان داده و ثابت قدم در راه خدا، روز به روز بیشتر و بیشتر نازل فرماید.

پروردگارا! این ماه مبارک را برای این ملت و برای آحاد ما، به معنای حقیقی کلمه، مبارک بگردان. پروردگارا! ارواح طیبه شهدا و روح مبارک امام راحل رضوان الله تعالی را در اعلیٰ علیین جای بده.

پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر ارواحنا فداه را که این ماه، ماه آن بزرگوار و لیلة القدر، شب آن بزرگوار است، از ما راضی و خشنود بگردان.

پروردگارا! ما را موفق به زیارت آن بزرگوار، جهاد در رکاب آن بزرگوار و شهادت در پیش روی آن بزرگوار بگردان.

والسلام علیکم و رحمة الله برکاته